

جلسه نهم: توکل ۲

۴- نقش توکل و تاثیر آن در زندگی انسان‌ها

۴/۱- پشتوانه مقاومت‌های جانانه انبیاء علیهم‌السلام در برابر دنیای کفر و شرک، توکل بر خداوند بوده است. حضرت نوح علیهم‌السلام ۹۵۰ سال تبلیغ می‌کند، ولی کفار حق را نمی‌پذیرند. حضرت نوح به ایشان می‌گوید: «فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجِئُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءُكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنْظِرُونِ - من بر خدا توکل کرده‌ام! فکر خود، و قدرت معبودهای تان را جمع کنید؛ سپس هیچ چیز بر شما پوشیده نماند؛ (تمام جوانب کارتان را بنگرید؛) سپس به حیات من پایان دهید، و (لحظه‌ای) مهلت من ندهید! (اما توانایی ندارید!)» (یونس/۷۱)

این منطق گفتنش آسان است اما در برابر دنیای کفر این چنین سخن گفتن جز با این پشتوانه نمی‌شود. دیگر پیامبران هم چنین مطالبی داشته‌اند؛ مانند:

هود علیهم‌السلام: «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ ربي وَ رَبِّكُمْ - من، بر "الله" که پروردگار من و شماست، توکل کرده‌ام». (هود/۵۶)

موسی علیهم‌السلام: «وَ قَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ * فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا - موسی گفت: «ای قوم من! اگر شما به خدا ایمان آورده‌اید، بر او توکل کنید اگر تسلیم فرمان او هستید» گفتند: "تنها بر خدا توکل داریم"» (یونس/۸۴ و ۸۵)

در تاریخ اسلام داریم که بعد از جریان جنگ اُحُد، دشمنان پیامبر ﷺ با توجه به این که ضربه کاری به مسلمان‌ها زده بودند در نزدیکی مدینه تصمیم گرفتند برگردند و کار اسلام را یکسره کنند، در مدینه این خبر به سرعت پخش شد؛ پیامبر اکرم ﷺ فرمود اُحدی‌ها آماده شوند: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ - این‌ها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: "مردم [لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند؛ از آن‌ها بترسید!" اما این سخن، بر ایمان‌شان افزود؛ و گفتند: "خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست"» (آل عمران/۱۷۳)

اُحدی‌ها دوباره آماده شدند. اُحدی‌ها که می‌گویم یعنی مجروحین جنگ اُحد. این‌ها با پشتوانه توکل بر خدا وارد میدان شدند و گفتند: «خدا ما را کافی است».

ابوسفیان از یکی از دوستانش پرسید که چه خبر این دوست ابوسفیان گفت: «خبر این که یک لشکری به جنگ با شما می‌آید که تا آخرین نفرتان را تار و مار نکنند ره‌ای تان نمی‌کنند»، ابوسفیان گفت: «چه می‌گویی، ما این‌ها را در اُحد تار و مارشان کردیم، مجروح‌شان کردیم». دوستش گفت: «صحنه‌ای دیدم که برای تان می‌گویم. دیدم دو تا برادر مجروح می‌آمدند، گاهی این‌ها را به دوش می‌گرفت و گاهی دیگری و جای‌شان را عوض می‌کردند؛ چنین کسانی دارند برای جنگ با شما می‌آیند». ابوسفیان ترسید و برگشت.

«فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ» - به همین جهت، آن‌ها (از این میدان)، با نعمت و فضل پروردگارشان، بازگشتند. (آل عمران/۱۷۴) این اثر توکل بر خداوند است. به صورت اصولی در حرکت‌های خدایی، توکل، عنصر کلیدی بوده است. در انقلاب بزرگ اسلامی ما هم، امام راحل عظیم‌الشان علیه السلام با این عنصر و با این اعتماد به خداوند حرکت عظیم الهی را پیش برد و سرانجام این انقلاب بزرگ به پیروزی رسید.

۴/۲- آن کس که توکل بر خدا دارد تأثیرپذیر از اقبال‌ها و ادبارها نیست. یعنی به وظیفه و تکلیفش عمل می‌کند، اگر اقبال شد، شد؛ اگر نشد هم، دست از تکلیفش بر نمی‌دارد. شنیدم در اوائل انقلاب برخی از مسئولان خسته شدند از بد و بی‌راه‌هایی که خیلی‌ها می‌گفتند در رسانه‌ها - روزنامه و غیر روزنامه - آمدند نزد امام علیه السلام استعفا بدهند، امام فرمود: «چرا می‌خواهید استعفا بدهید» گفتند: «فضا این چنین است» امام فرمود: «این جمعیتی که پشت خانه دارند شعار می‌دهند به نفع من اگر یک روزی همه این‌ها علیه من هم شعار بدهند، من به راه خودم ادامه خواهم داد». پشتوانه این سخن جز توکل بر خداوند نیست.

«فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (توبه/۱۲۹) اگر این‌ها پشت کردند بگو خدا مرا بس است فقط بر او توکل می‌کنم و او رب عرش عظیم است.

۴/۳- شجاعت و شهامت میوه توکل بر خداوند است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «أَصْلُ قُوَّةِ الْقَلْبِ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ»^۱ ریشه دل و جرأت‌دار شدن، توکل بر خداوند است. امام باقر علیه السلام فرمود: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يَغْلَبُ»^۲ کسی که توکل بر خدا کند مغلوب نمی‌شود. و فرمود: «مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَمُ»^۳ کسی که اعتماد به خداوند کند شکست نخواهد خورد.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «و لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنافِقِينَ وَ دَعْ أَذَاهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» - و از کافران و منافقان اطاعت مکن، و به آزارهای آن‌ها اعتنا منما، و بر خدا توکل کن، و همین بس که خدا حامی و مدافع (تو) است» (احزاب/۴۸) از کفار حرف نشنو. این «و لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ» فقط برای ۱۴۰۰ سال پیش نیست، امروز هم «و لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ»، امروز هم از کافران تبعیت نکن، امروز هم دنیای استکبار قابل اطاعت نیست، امروز هم نباید به بهانه جهانی شدن تسلیم دنیای استکبار شد، «و دَعْ أَذَاهُمْ» اعتنایی به اذیت‌شان نکن، اعتنایی به شیطنت‌شان نکن، اعتنایی به تحریم‌های‌شان نکن، به راه خودتان ادامه بدهید «وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» خداوند وکیل شماستف شما خدایی عمل کنید بدانید که پیروز این میدان شما هستید. قهرمان، این میدان شما هستید. آن چنان که در طول تاریخ، انبیاء علیهم السلام پیروز این میدان بودند.

۱- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ؛ ص ۱۹۷ ؛ آثار التوکل ؛ ح ۳۸۷۹

۲- روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (ط - القديمة) ج ۲ ؛ ص ۴۲۵ ؛ مجلس فی ذکر التوکل

۳- جامع الأخبار (للشعیری) ص ۳۶ ؛ الفصل الثامن عشر فی الإیمان

نمونه سوالات آزمون

۱- آیه " انی توکلت علی الله ربی و ربکم ما من دابه الا هو اخذ بناصیتها " در مورد

کدام پیامبر (ص) و در چه موردی بیان شده است؟

الف: حضرت عیسی (ع) - نقش اخلاص در رسالت

ب: حضرت موسی - نقش توکل در تبلیغ دین

ج: حضرت هود - نقش توکل در تبلیغ دین

د: حضرت موسی (ع) - نقش جهاد

۲- شأن نزول آیه " الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فخشوهم فزادهم

ایمان و قالو حسبنا الله و نعم الوکیل " کدام است؟

الف: حمله کفار به شهر مکه

ب: تأسی مجاهدین عصر پیامبر (ص) به توکل در غزوات

ج: آزادی قوم بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان

د: رسالت خواص در روشنگری و هدایت عامه مردم

۳- کدام یک از گزینه ای زیر جزء نقش توکل و تأثیر آن در زندگی انسان نیست؟

الف: شجاعت و شهامت

ب: تأثیر ناپذیری از اقبال ها و ادبارها

ج: پشتوانه مقاومت انبیا

د: رضایت مخلوقین از انسان

۴- معنی صحیح " ودع اذنهم " در آیه " ولا تطع الکافرین و المنافقین ودع اذنهم "

چیست؟

ب: و با آنان مبارزه کن

الف: وبه آزارهای آنان اعتنا مکن

د: و هرگز مغلوب آنان مشو

ج- و آنان را مجازات کن

۵- طبق فرمایش مولا علی (ع) ریشه دل و جرأت دار شدن چیست؟

الف: تضرع به درگاه الهی

ب: توجه به همه زمینه های زندگی

ج: محاسبه نفس

د: توکل بر خداوند